

آینه

اقتصاد

ناراضیاتی تنها از دولت نیست

● **در گفت‌وگو با علی جنتی**:... اعضای کابینه متفاوت هستند... برخی بسیار باالکیزه هستند و کار خود را می‌دانند... برخی هم هستند که انگیزه کمتری دارند یا خودشان را در آیفای مسئولیت ناتوان می‌بینند یا در انتخاب معاونان و مدیرانی که به کار گرفته‌اند، از نیروهای توانمند و باکفایت استفاده نمی‌کنند یا با برخی از نمایندگان پرتوقع مجلس معامله می‌کنند و برای اینکه دور از سؤال یا استیضاح بمانند، باج‌های سنگینی به نمایندگان مجلس می‌دهند و برخلاف سیاست‌های رئیس‌جمهور عمل می‌کنند... باید توجه داشت که انتخاب وزرا معمولاً دارای فرایندی سنگین است... قبل از اینکه فهرست پیشنهادی وزرا به مجلس برود باید هماهنگی‌هایی با مقامات عالی کشور صورت گیرد... همین وزرایبی هم که این دوره انتخاب شدند همه آنها صددرصد ایده‌آل رئیس‌جمهور نبودند... نمی‌توان گفت که همه وزرای پیشنهادی قوی‌ترین و باکفایت‌ترین افراد در حوزه تخصصی خود هستند... بسیاری از نتجکان کشور در بخش‌های مختلف از محدودیت‌هایی که رئیس‌جمهوری در جایگاه خود دارد، آگاه هستند... البته توده مردم اطلاع زیادی ندارند که رئیس‌جمهوری چه مشکلاتی دارد؛ لذا می‌بینیم که در برخی از شبکه‌های اجتماعی گاه انتقادات تند از رئیس‌جمهوری می‌شود و مردم می‌پرسند که وعده‌هایی که داده بودید چه شد؟ اگر روحانی این وعده‌ها را در تریون‌های عمومی تکرار می‌کند بیشتر به این دلیل است که نشان دهد بر اعتقادات و باورهای خود استوار است ولی در عمل نتوانسته است وعده‌ها را محقق کند... البته صرف ابراز عقیده کافی نیست اما راهی هم جز این نیست... گاهی اهداف کوچک‌تری را باید فذای اهداف و منافع بزرگ‌تری کنیم... الان آمریکا با اسرائیل، عربستان و امارات متحده عربی به دنبال جنگ روانی و استفاده از جنگ نرم هستند و تلاش می‌کنند با استفاده از ضعف‌های درونی کشور جامعه را دچار فروپاشی کنند... حالا شما خودتان بگویید روحانی به‌عنوان رئیس دولت می‌تواند یک روز با دستگاه قضائی دربیفتد و یک روز با مجلس مقابله کند و هر روز تشنجی در سطح جامعه پدید بیاید... آیا به نفع کشور است؟... بخش عظیمی از جامعه ما ناراضی هستند...این ناراضیاتی تنها از دولت نیست ناراضیاتی از مجموعه حاکمیت است... مردم فساد را که در سیستم اجرایی کشور یا بخشی از دستگاه قضائی وجود دارد شاهد هستند.



فصلی دیگر از مدیریت عزت‌مندانه انقلاب

● **عباس حاجی‌نجاری**: شرایط کنونی را به لحاظ وضعیت‌شناسی جنگ نرم دشمن علیه نظام اسلامی، می‌توان نقطه اوج تقابل و فراز اصلی آن پیچ تاریخی دانست که دشمن علیه نظام اسلامی طراحی کرده و به اجرا درآورده است... از منظر دشمن، بستر برای زدن ضربه نهایی آماده شده... . در داخل نیز علاوه بر میدان‌داری رسانه‌های معاند در فضای مجازی، رسانه‌های داخلی به‌طور خودآگاه یا ناخودآگاه به‌عنوان بخش‌هایی از این پازل در دام‌نزدن به ظرفیت‌های دشمن در این جنگ روانی... عمل می‌کنند... اما به‌رغم این برآورد دشمن، رهبر معظم انقلاب فرصت سالگرد ارتحال امام (ره) را به میدانی ـبرای مقابله با ایهامات مطرح‌شده در روند حرکت انقلاب و تقویت عزم ملی برای مهار و مدیریت این شرایط و اعتلای نظام اسلامی تبدیل کردند.

پایه‌تخت

امتناع اصلاح

پویا جیل‌علایی: دیروز دولتی سر برآورد که شعارش تدبیر و امید بود و از دل آن برجام و همراهی دنیوا با ایران به‌دست آمد... دولت سرمست‌پشتوانا اجتماعی بود، اما گام‌های چندانیه به سوی اصلاحات اقتصادی برنداشت... به عبارت دیگر وقتی فضای داخلی و بین‌المللی آمادگی بیشتری را برای دولت به منظور اصلاحات ایجاد می‌کرد و این فرصت وجود داشت تا با بیان مشکلات، جامعه هزینه‌های کوتاه‌مدت اصلاح را پذیرا باشد، اما عزم حرکت به سوی تغییری ملموس دیده نشد... تا دیروز بیم از واکنش‌های اجتماعی باعث آن بود که روندهای اقتصادی چون گذشته تداوم یابد و اصلاحی صورت نگیرد، اکنون انتظار آن است که شرایط آتی به‌گونه‌ای باشد که واکنش‌ها نسبت به اصلاح عمیق‌تر شود و در این صورت امکان احتمال تحقق اصلاحات اقتصادی نزدیک به صفر است... شاید حتی امروز بسیاری بر این باور باشند که صحبت از اصلاح در چنین فضایی، نشانه دوربودن نگارنده از واقعیات است... اما اولاً باید گوشزد کرد که چگونه فرصت‌ها در طول این مدت از بین رفت و ثانیاً تأکید کرد که اگر فکر می‌کنیم در آینده شرایط اصلاحی بهتر خواهد شد، از ماهیت چالش‌های اقتصادی به‌دوریم... اگر فرض کنیم تحریم‌های گذشته بازگردند، آنچه می‌توان به آن توصیه کرد ایجاد یک نظام توزیع حداقلی برای کالاهای اساسی اما از سوی دیگر بازکردن فضا برای کالاهای دیگر و انجام اصلاحات اقتصادی به نحو ممکن است.

پرسش‌های روز

● این نکته را با توجه به سخنرانی‌های اخیر ترامپ ایران می‌گویند؟
بله؛ مثل کاری که در لباس گوسفند ظاهر شده باشد... البته مطمئناً کسی باور نمی‌کند... اینکه می‌گویند ما همه امکانات را به کار می‌گیریم تا ایران نتواند مسیر توسعه خود را ادامه دهد، معلوم است که این سیاست بیشترین ضرر را متوجه مردم می‌کند... دولت و نظام می‌توانند از این فرصت برای کم‌کردن بعضی از کله‌ها، شکاف‌ها و تنش‌های اجتماعی استفاده کنند.

● منظورتان ایجاد فضای باز اجتماعی و حل‌کردن مسائلی است که مثلاً از حوادث ۸۸ باقی مانده است؟

بله؛ به نظر من خیلی کارهای می‌شود انجام داد... نکته دومی که می‌خواهم بگویم، این است که ما باید کمربند‌ها را محکم ببندیم... برای نمونه باید بگویم حدود یک‌سوم غذایی که در ایران تولید می‌شود، دور ریخته می‌شود؛ این رقم خیلی بالاست و نمی‌توان آن را با هیچ کشوری مقایسه کرد... یا میزان انرژی که مصرف می‌شود، خیلی بالاست... در روز یک میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت هدررفت انرژی داریم... باید در این زمینه با مردم درست

دیپلماسی

پیشنهاد عباس ملکی برای مقابله با فشارهای خارجی ناشی از خروج آمریکا از برجام

شکاف داخلی را کم کنیم



عباس ملکی، نایب وزیر امور خارجه

به یک سمت رفته بودند... یا در لبنان اگر جناح رقیب حزب‌الله موفق شده بود، ما چه می‌گفتیم؟ می‌گفتیم که سیاست خارجی ایران در آنجا درست نبوده؟ اینها نشان می‌دهد که دیپلمات‌های ما درست عمل کردند و جناحی را برگزیدند که ارتقا یافته است.

● ولی در عراق چنین اقبالی به سیاست‌های ایران نشد؟

در عراق هر چند یکی، دو نفر از مسئولان ما، حرف‌هایی علیه آقای صدر زدند و آینده‌نگری نکردند اما سیاست خارجی ایران در عراق مجموعه‌ای است از فعالیت‌های وزارت خارجه و دستگاه‌های دیگر... این سیاست خارجی به‌هیچ‌وجه ائتلاف آقای العبادی، حکیم و العامری را رها نکردند... کسانی که آقای صدر را از نزدیک می‌شناسند، می‌دانند که باید ایشان را در یک دوره بررسی کند نه در یک موضع و یک روز.

● بالاخره همه معتقدند که در اِیسن انتخابات در رقابتی نتگتنگ بین ائتلاف‌های نزدیک به ایران و عربستان، ایران اقبال کمتری داشته است.

در بین چند گروه عمده در عراق یعنی جناح حشد الشعبی، عامری‌ها، العبادی و حزب الدعوه... صدر، مالکی، حکیم، کردها و اهل سنت همه اینها به جز یکی، با ایران رابطه خوب دارند... نمی‌خواهم بگویم همه کارهای جمهوری اسلامی درست است اما مسیر رسیدن به هدفش درست است.

● برگردیم به این نکته که گفتید در برخی از استراتژی‌های خارجی‌مان باید تغییر ایجاد شود... برداشت من از صحبت‌های شما این است که معتقدید در بحث منطقه باید آرام‌آرام از سوریه خارج شویم... اما درباره یمن چنین اعتقادی ندارید، چرا؟

حضور ما در سوریه می‌تواند به سمت کارهایی برود که مشابه آن را در لبنان یا عراق انجام می‌دهیم... قبل از بحران سوریه، کارخانجات خودرو و سیمان ایران در آنجا کار می‌کرد... ما نباید از اینکه کشور در خارج از مرزهای خودش فعال است، انتقاد کنیم؛ حالت برعکس این باید مورد انتقاد ما باشد.

● قطعاً هیچ عقل سلیمی از فعالیت‌های اقتصادی کشور در خارج مرزها انتقاد نمی‌کند... آن چیزی که مورد انتقاد افکار عمومی و بهانه کشورهای دیگر برای واردآوردن فشار به ایران می‌شود، ادعای حضور نظامی در خارج مرزهاست.

حدود سال ۱۹۵۸ حزب بعث در عراق و سوریه پیروز شد اما در جنگ ایران و عراق، سوریه به عراق کمک نکرد و خط لوله کرکوک بنایس را بست و اجازه نداد که تمامیت جهان عرب، علیه ایران اعمال فشار کند.

یعنی آن چیزی که عربستان دنبال می‌کرد... پس اینجا ما موفق بودیم... در دوره جدید، ائتلافی تشکیل شد با هدف تغییر دولت سوریه... بعد از انفجار خودروی رفیق حریری بود که عربستان، قطر، ترکیه و آمریکا با حمایت پنهان اسرائیل عزمشان را جزم کردند که دولت سوریه را به بهانه اینکه با مردمش خوب تا نمی‌کند، سرنگون کنند... ما می‌توانیم پیرسیم که کدام دولت عربی با مردمش خوب تا می‌کند؟ آن جریان انبوه سیستم‌های اینترنتی و تلفن‌های موبایل برای دسترسی به خارج از کشور و بعد ارسال اسلحه و فرستادن مزدورانی از آمریکا و اروپا و جاهای دیگر به سوریه بدون هیچ تردیدی، تهدید علیه ایران بود و بالاخره ایران به این نتیجه رسید که باید به سوریه کمک کند... حالا که داریم درباره این موضوع صحبت می‌کنیم، دولت سوریه اکثر مواضعی را که داعش به‌دست آورده بود، پس گرفته است... یعنی تا این لحظه جمهوری اسلامی ایران در سیاست‌هایش موفق بوده و من فکر می‌کنم که به‌تدریج باید از سوریه کنار بکشد و همکاری‌های فرهنگی و سیاسی را جایگزین حضور نظامی کند و البته این کار را خواهد کرد... بعضی اوقات می‌بینید که همان چیزهایی را که رضای یا تل‌آویو یا واشنگتن دنبالش هستند، در داخل مردمدمان شایع می‌کنند... مثلاً می‌گویند پول‌ها در سیستان و بلوچستان خرج نشده و در سوریه خرج شده... امیدوارم یک روزی تکلیف این بحث‌ها مشخص شود... ما یکی از کم‌هزینه‌ترین کشورها در خارج از کشور هستیم... یعنی اگر انتقادی وارد باشد، این است که شما چرا این‌قدر در خارج از کشور کم هزینه می‌کنید، چرا در رسانه‌های جهانی و محلی سرمایه‌گذاری نمی‌کنید؟ این کشور یک بازگرس است و بازی می‌کند... شما ایران را با ترکیه مقایسه کنید... ببینید ترکیه در این دوده‌چه چقدر در سیاست‌های منطقه‌ای خود شکست خورده است... مردم ترکیه این‌قدر دولت‌شان را شمتات می‌کنند که مردم ایران؟

● اجازه دهید به بحث برجام برگردیم... آیا اروپا به کمک قوانین مسدودکننده می‌تواند با ایران تجارت کند؟ به‌ویژه این موضوع درباره شرکت‌های بزرگ و فراملیتی‌طور خواهد بود؟

وضعیت انسداد در سال ۱۹۹۶ نه در مورد ایران که در مورد کوبا انجام شد... آن زمان طرح آقای داماتو، سناتور نیویورک در سنای آمریکا برای محدودکردن سرمایه‌گذاری کمتر از ۴۰ میلیون دلار در نفت و گاز ایران هم مطرح شده بود و آقای کلینتون که از دموکرات‌ها هم بود، این رقم را به ۲۰ میلیون دلار کاهش داد و کشورها و شرکت‌های دیگر را هم وارد این طرح کرد که همان مسئله فراملیتی ایجاد شد... یعنی تحریم‌های ثانویه روی شرکت‌های چندملیتی بیرون از آمریکا هم تأثیر می‌گذارد... اگرچه باید گفت تاریخ دوباره تکرار می‌شود ولی درعین‌حال می‌توان گفت هر وضعیت برای اولین بار است که اتفاق می‌افتد... افلاطون می‌گوید یک نفر نمی‌تواند در یک رودخانه با شرایط مشابه دو بار شنا کند؛ چون هم خود فرد در زمان تغییر پیدا می‌کند و هم آب رودخانه عوض می‌شود... به نظر من شرایط فعلی یک موقعیت جدید است... من درباره همکاری با اروپا خوشبین هستم... اکثر صاحب‌نظران می‌گویند کل معاملات اروپا با ایران ۲۰ میلیارد دلار است و مثلاً رابطه اروپا با آمریکا ۲۰۰ میلیارد دلار است؛ بنابراین نتیجه می‌گیرند که اروپا، آمریکا را رها نمی‌کند تا به سمت ایران بیاید... اصلاً این حرف‌ها نیست... یک کشور مثل یک انسان است... یعنی کشورها تمام روحيات از اخلاقیات یک انسان را دارند... مسئله این نیست که معاملات ایران با اروپا کم است... مسئله این است که آقای ترامپ کاری کرده که اروپا به این نتیجه رسیده که دیگر نمی‌تواند با او کار کند؛ مگر اینکه خیلی خودش را تغییر دهد... به نظر من حتی بزرگ‌ترین شرکت‌ها از نظر دولت‌ها تبعیت می‌کنند... هر شرکت بزرگ چه در یک کشور باشد و چه یک شرکت بین‌المللی باشد، یک معاون رئیس در امور عمومی دارد که مسئول رابطه با کشورهاست... برای شرکت‌های خیلی مهم است که یک ضابطه کوچک در وزارت اقتصاد کشور چیست... حتماً اروپایی‌ها روی شرکت‌های بزرگ تأثیر دارند... مسئله این است که این تأثیرگذاری را به کار می‌گیرند یا نه... به نظر من، ما در وضعیت خاصی هستیم و باید در سیاست‌گذاری‌هایمان تغییر ایجاد کنیم.

مثلاً وزارت نفت ما بالاخره قبول کند که با شرکت‌های کوچک و متوسط هم مذاکره کند... البته کار سختی است و زمان بیشتری می‌برد... احتمالات بیشتری مطرح و ناطمیاتی هم هست ولی بالاخره باید این کار انجام شود... در بازار انرژی تعداد شرکت‌های کوچک و متوسط، آن‌قدر زیاد است که به اندازه چند قرارداد با شرکت‌های بزرگ می‌توان با این شرکت‌ها قرارداد بست و آنها را جایگزین کرد.

● یکی از نگرانی‌ها این است که آمریکا دور جدیدی از تحریم‌ها را علیه ایران اعمال کند... تاکنون برخی اشخاص حقیقی و شرکت‌های حقوقی و چند شرکت هواپیمایی تحریم شده‌اند اما ترس از اینکه این حیطة به سمت نفت گسترش یابد کند هم وجود دارد... آیا ممکن است جای نفت ایران را کشور دیگری پرکند و به سادگی تحریم نفتی بازگردد؟

یکی از موضوعات مهم در این زمینه، مسئله قیمت نفت است... اگر قیمت نفت بالا باشد، نفت‌های غیرمعارف مثل شل و نفت‌های سنگین می‌توانند وارد بازار شود و جای نفت ایران پر شود... اگر قیمت نفت پایین باشد به این معنی است که عرضه در بازار بیشتر از تقاضاست... در این صورت باید دید کدام کشور چقدر تولید می‌کند... به‌صورت‌کلی باوجود همه اختلافاتی که ما با عربستان داریم، هر دو مدافع قیمت بالای نفت هستیم... نکته دوم این است که هیچ کشوری نمی‌تواند به‌راحتی در یک لحظه تصمیم بگیرد و تولید نفت را بالا ببرد... این موضوع در بدترین حالت، چند سال و در بهترین حالت چند ماه طول می‌کشد... در مجموع به نظر من ایران می‌تواند نفتی را که تولید می‌کند، بفروشد... دلیم این است که با کشورهای خریدار رابطه خوبی داریم و برخی از این کشورها، همسایگان ما هستند... مثل روسیه که قرارداد خوبی با آنها داریم و هند و چین... اگر بدبین نباشم نفت را می‌توانیم بفروشیم ولی مقداری زحمتش بیشتر است.

● اگرچه اروپا در تلاش برای حفظ برجام است اما ارشاهه نشان می‌دهد که هنوز طرح چهارماده‌ای آقای مکرون روی میز اروپا است... ببینو می‌گوید که ما همکاری‌مان را با شرکای اروپایی ادامه می‌دهیم و به‌زودی به توافق می‌رسیم... به نظر می‌رسد که این می‌تواند بخش نگران‌کننده‌ای از وضعیت پیش‌رو باشد... استراتژی‌ای که درباره این بحث می‌توانیم پیش بگیریم، چیست؟

در مسائل منطقه‌ای ایران می‌تواند مذاکره کند و دست بالا را دارد... از افغانستان تا عراق، سوریه، یمن و حتی جاهای دیگر.

● گویا شورای عالی امنیت ملی استثنائاتی برای مذاکره درباره یمن قائل شده و دیپلمات‌ها در حال مذاکره بر سر یمن هستند... چرا ایران در بحث منطقه‌ای این‌قدر محتاط است؟

وقتی شما یک موقعیت بهتر و برتر و داشته‌هایی دارید که دیگران ندارند، باید در مذاکره محتاط‌تر باشید... در بحث منطقه‌ای، ایران از لحاظ اطلاعاتی بیشترین اطلاعات را نسبت به کف میدان ندارد... معلوم است که این مزیت را نباید به‌راحتی از دست داد... در سال ۲۰۰۱، آمریکا به افغانستان حمله کرد و یک‌سری افراد القاعده که اکثراً خانواده‌های آنها بودند، به سمت پاکستان فرار کردند... سیستم اطلاعاتی پاکستان آنها را به سمت ایران سوق داد.

ادامه در صفحه ۱۵

ادامه از صفحه اول

رفتارشناسی روس‌ها در خروج از نفت ایران

اما سطح دوم که با اصول و قواعد حاکم بر نظام بین‌الملل تطابق داشته و به واقعیت نزدیک‌تر است، رفتار واقع‌بینانه و معطوف به منافع ملی این کشور متناسب با الزامات بین‌المللی است... روس‌ها درحال‌حاضر در دو جبهه سیاست موضع‌گیری دنبال می‌کنند که هدف نهایی آن تقویت موقعیت و جایگاه این کشور در عرصه جهانی است... جبهه نخست، جبهه سیاسی است که از سوی دولت و شخص پوتین دنبال می‌شود و آن احیای جایگاه ابرقدرتی روسیه در جهان از طریق مواجهه برنام‌ریزی‌شده با غرب و به‌ویژه آمریکا در حوزه‌های کلان سیاسی، امنیتی و اقتصادی است... جبهه دوم، جبهه اقتصادی و تجاری است که از سوی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی روسیه دنبال می‌شود که هدف آن پیوند هرچه بیشتر و عمیق‌تر با اقتصاد جهانی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های اقتصادی بین‌المللی و مشارکت در شرکت‌ها و بنگاه‌های بین‌المللی برای تقویت قدرت اقتصادی روسیه در عرصه جهانی است... در واقع دولت روسیه در کنار مانور سیاسی در عرصه بین‌المللی، شرکت‌های خود را تشویق به ادغام و مشارکت با شرکت‌های بزرگ آمریکایی و اروپایی می‌کند تا ضمن تقویت اقتصادی روسیه، فشارها و تحریم‌های اقتصادی آمریکا و اروپا علیه خود را خشتی کند... درحال‌حاضر برای شرکت‌های روسی، کار با شرکت‌های آمریکایی و اروپایی در اولویت است؛ بنابراین ایران اصولاً نمی‌تواند حساب خاصی روی همکاری اقتصادی و تجاری با روسیه و شرکت‌های روس باز کند و چه‌بسا کار ایران با روس‌ها و شرکت‌های روسی برای کاهش مخاطرات ناشی از دور جدید تحریم‌های آمریکا، در مقایسه با کشورهای اروپایی و شرکت‌های اروپایی بسیار سخت‌تر و پرهزینه‌تر باشد.

تشخیص مسائل امنیتی با کجاست

اگر در تفسیر قانون اختلاف‌نظر دارند، با حسب اصل ۷۳ قانون اساسی، تفسیر قانون را از مجلس شورای اسلامی بخواهند یا به‌لحاظ حساسیت موضوعات مبادرت به تقسیم‌بندی شرح وظایف هریک از نهادهای ذکرشده را با ارائه لایحه قانونی و تصویب آن از مجلس شورای اسلامی بخواهند؟ ریزنده نیست مثلاً وزیر اطلاعات درباره متهمان محیط زیست با تکیه به شرح وظایف وزارتخانه تحت امر خود و اطلاعات واصله از مأمورانش به‌صراحت اعلام کند این افراد جاسوس نیستند یا درباره آقای دری‌افصهانی، ریاست محترم جمهوری او را از نیروهایی بداند که در طول مذاکرات منشأ خدماتی شده‌اند، ولی دستگاهی نظر متفاوتی داشته باشد یا درباره متهمان محیط زیستی نیز چنین برداشتی مطرح شود... مسائل امنیتی و اطلاعاتی با امنیت ملی سروکار دارد و با مسائل امنیتی و اطلاعاتی نمی‌توان با تفاسیر مختلف و گاه متضاد از ناحیه دو نهاد مسئول روبه‌رو شد... یا درباره تشخیص دولت متخاصم و جاسوسی دراین‌باره در گذشته شیوه این بود که از وزارت امور خارجه استعلام می‌شد تا دولت متخاصم را اعلام کند... کم‌کم این رویه که به باور نگارنده به واقعیت نزدیک‌تر بود، کنار گذاشته شد و عمل حاکمات از وی اطلاعات استعلام می‌کردند... مدتی است با توجه به اختلاف برداشت این شیوه استعلام هم دچار دگردگونی شده است... راه‌حل مسئله ساده است؛ باید حرمت دستگاه‌هایی را که با مسائل امنیتی و اطلاعاتی سروکار دارند، گذاشت و به شکلی رفتار کرد که بازخورد منفی در بیرون نداشته باشد... با توجه به اینکه همه نهادهای مسئول درصدد هستند به‌صورت دقیق و صحیح مسائل امنیتی ـ اطلاعاتی حفاظت شود و خدای ناکرده به امنیت ملی ضربه وارد نباشد، شیوه فعلی محل تأمل و تعمق است و راه‌حل ساده آن تعیین نهاد تشخیص‌دهنده نهایی به‌وسیله قانون‌گذار است تا به این اختلاف خاتمه داده شود.

مرگ خاموش

طرح‌هایی برای ارتقای سطح خدمات در داروخانه‌ها اجرا شده است، موضوع حذف تعرفه خدمات داروسازان در بیمارستان‌ها و داروخانه‌ها، عقب‌گردی بزرگ در نظام سلامت است که همه تلاش‌های انجام‌شده در این سال‌ها را بی‌اثر می‌کند و موجب وهن نظام درمانی کشور ما در سطح جهان خواهد شد.

الحکمه ضالۃ المؤمن

تحصیلات عمیق علوم اسلامی و منطق و حکمت نزد بزرگانی مانند علامه طباطبائی، آیات عظام بروجردی، سلطانی، سیدعلی محقق‌داماد، نجفی مرعشی و... و سپس تحصیلات عالیه در دانشگاه تهران را بی‌استادی ذو وجوه ساخت... فعالیت‌های ایشان در فرهنگستان علوم و شورای انقلاب فرهنگی نیز شایان تحسین و توجه است... امیدوارم مسیری که امثال دکتر احمدی آغاز کردند، توسط جوانان فرهیخته ایران دنبال شود.